به نام خدا

معرفی و نقد فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی

دکتر جهاندوست سبزعلیپور

زبان تاتی از زبانهایی است که همانند بسیاری از گویش‌های ایرانی، آنچنان‌که باید، مورد بررسی علمی قرار نگرفته است. این زبان که جزیی از زبانهای ایرانی غربی شمالی است، در داخل و خارج از ایران گویندگان بسیاری دارد. تحقیق دربارهٔ این زبان به دو دستهٔ کلی قابل تقسیم است:

الف) تحقیق‌هایی که توسط زبان‌شناسان یا از منظر زبان‌شناسی و به صورت علمی انجام شده است؛ بهترین تحقیق از این نوع، آثار احسان یارشاطر (← منابع)؛ و تعدادی از پایان‌نامه‌ها در رشتهٔ زبانشناسی، فرهنگ و زبانهای باستانی و زبان و ادبیات فارسی است؛

ب) تحقیق‌هایی که توسط گویشوران، بومیان و علاقه‌مندان انجام شده است. بسیاری از آثار دیگر این حوزه و پایان‌نامه‌های گویش‌وران از این نوع‌اند. بیشتر مواد و پیکرهٔ زبانی نوع دوم، واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیات، لغات و یا دستور زبان به شکل غیرمتخصصانه است. گرچه پایان‌نامه‌های زیادی در این زمینه به رشتهٔ تحریر درآمده است، اما واقعیت این است که این آثار بیشترشان در کتاب‌خانهٔ دانشکده‌ها خاک می‌خورند و کمتر به شکل کتاب درآمده‌اند.

کتاب **فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی** (گویش تاتی روستای لرد بخش شاهرود خلخال شامل لغات، ترکیبات، کنایات، و اصطلاحات؛ و اشاره‌ای کوتاه به دستور زبان)، از **جواد معراجی لرد**، در انتشارات بلور رشت، سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است. این کتاب در قطع وزیری و جلد شمیزی در ۳۰۴ صفحه، مصور (با دو عکس از روستای لرد در پشت و روی جلد) روانهٔ بازار شده است. این فرهنگ که تغییریافته و تکملهٔ پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نویسنده در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی است، دارای فهرست، مقدمه از صفحهٔ ۶ تا ۱۵ (۱۰ صفحه)، علایم آوانگاری و ۳۱ بخش یعنی ۲۲۵ صفحه واژهٔ تاتی، یک فهرست الفبایی و دو نقشه از استان اردبیل و شهرستان خلخال است.

هم‌چنان‌که از کتاب برمی‌آید و نویسنده نیز در مقدمه اشاره کرده است(ص۱۰)، این فرهنگ بیش از ده هزار واژهٔ تاتی را در خود جای داده است و نویسنده آن سعی کرده است واژه‌هایی را بیاورد که در روستای لرد -که نویسنده نیز گویشور همان‌جاست- به کار می‌رود و از ذکر واژه‌های سایر گونه‌ها و روستاها به درستی و عالمانه پرهیز کرده است. قابل ذکر است که گونهٔ لردی شاهرود خلخال یکی از چند گونهٔ معدود تاتی خلخال است که ویژگی‌های کهن بسیاری را حفظ کرده است و تحقیق دربارهٔ آن بسیار ارزشمند است.

آنچه در ابتدای **مقدمهٔ** اثر ذکر شده، بحثی دربارهٔ ارزش زبان و گویش هر قوم و قبیله است که «بیانگر خاطرات تلخ و شیرین نیاکان ما و ترجمان گفته‌ها و شنیده‌ها و سروده‌های آنان در مراحل مختلف

اعم از غم و شادی و عزا و عروسی و . . . است» (ص ۶). در ادامه نویسنده با توجه به مجموع نظرات محققان و زبان‌شناسان، تاتی را شاخه‌ای از زبان پهلوی میانه که از زبان‌های باستانی ایران است، می‌پندارد. بجا بود نویسنده، این قسمت از بیانات خود را موثق به یک منبع علمی زبان‌شناسی می‌کرد و خود بدین صورت ارائه نظر نمی‌کرد. تاتی شاخه‌ای از زبان پهلوی نیست.

لغت‌نامهٔ دهخدا، فرهنگ فارسی معین و فرهنگ عمید و فرهنگ تاتی تالشی علی عبدلی از آثاری هستند که نویسنده از آنها بهره برده است (ص۷)، اما معلوم نکرده که چگونه بهره برده است. محتمل است در ذکر معانی لغات از آنها استفاده کرده باشد، چرا که این اثر کمتر به آثار مذکور شبیه است، در آوردن همزه به شکل ویرگول(ʼ) باید از *فرهنگ فارسی* معین پیروی کرده باشد. روش موضوعی کردن فرهنگ را (چنان‌که خود نیز در صفحهٔ ۸ اشاره کرده) از کتاب "فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی" رضایتی کیشه‌خاله و خادمی‌ارده استفاده کرده است.

در ادامهٔ مقدمه، نویسنده نگاهی به جغرافیای منطقه انداخته و موقعیت شهرستان خلخال و مرکز آن "هروآباد" و بخش‌های تابعه آن را به تفکیک آورده است. بهتر بود به جای ذکر مختصات جغرافیایی شهرستان خلخال، مختصات یا طول و عرض جغرافیایی روستای مورد نظر را ذکر می‌کرد، که جایش در کتاب خالیست. نویسنده علت انتخاب گویش یک روستا برای این امر را «رعایت احترام به همهٔ تات‌زبان‌ها در اطراف و اکناف مناطق تات‌نشین و وارد نشدن به حریم تفاوت‌های گویشی» می‌داند (ص ۱۰).

روستایی که گویش آن در کتاب بررسی شده، روستای لرد (lərd) از توابع بخش شاهرود خلخال است که چنین معرفی شده است: « روستای **لِرد** با جمعیت نزدیک به چهار هزار نفر به عنوان بزرگ‌ترین روستای شهرستان خلخال در فاصلهٔ ۲۷ کیلومتری شهر کلور مرکز بخش شاهرود و از طریق جادهٔ شاهرود در فاصلهٔ ۶۵ کیلومتری شهر خلخال و از طریق جادهٔ بفراجرد در فاصلهٔ ۳۲ کیلومتری شهر خلخال قرار گرفته است» (ص۱۰).

به دنبال این مقدمات نویسنده به شکلی نامنتظره و کمی شتابزده (در ۳ صفحه و نیم) به مقولات دستوری گویش مورد نظر ذیل عنوان " اشاره‌ای مختصر به مقولات دستوری" پرداخته و موارد زیر را مختصر بررسی کرده است:

الف: پیشوندهای مصدرساز؛ **ب**: صرف فعل در زمان‌های مختلف؛ **ج**: ترکیب وصفی و ترکیب اضافی؛ **د**: علامت جمع در تاتی؛ **ه**: دگرگونی لغات وارده؛ **و**: ضمایر و قیود و اصوات؛ **ز**: پسوند نسبت مکانی.

چینش و گزینشی چنین در مقولات دستوری موجّه به نظر نمی‌رسد و از طرف نویسنده نیز هیچ توضیحی غیر از کلمه «مختصر» در عنوان این قسمت یعنی« اشاره‌ای مختصر به مقولات دستوری» ارائه نشده است. جا داشت نویسندهٔ محترم که خوب با مقولات دستوری آشنا است، یا هیچ ویژگی دستوری را ذکر نمی‌کرد، یا چند ویژگی برتر گویش تاتی لرد، نظیر موارد زیر را قید می‌کرد:

- **تمایز جنس دستوری مونث از مذکر**. در گویش تاتی لرد تمایزی بین مونث و مذکر در اسم، صفات، ضمایر و حتی افعال به چشم می‌خورد، یعنی، اسم‌های مونث تاتی لردی در حالت فاعلی مفرد با پی‌بست بدون تکیهٔ a- همراه‌اند و اسم مذکر در حالت فاعلی و غیرفاعلی نشانهٔ خاصی ندارد:

مونث: čašm**a** (چشم) gow**a** گاو mâng**a** (ماه)

مذکر: lâfən (طناب) divâr (دیوار) vâš (علف)

- **ساخت ارگتیو**، در این ساخت مفعول به شکل فاعلی و فاعل یا عامل به شکل غیر فاعلی ظاهرمی‌شود، و فعل از نظر شمار، جنس و شخص به جای فاعل از مفعول تبعیت می‌کند[1]:

تو را بردند. tə-šân bə-bard-əš

کبوتر را کشتم. kutar-əm-**a** bukušt-**â**

در جملهٔ اول -tə (تو) مفعول است و فعل هم به‌خاطر مفعول مفرد، مفرد آمده است. در جملهٔ دوم کبوتر مفعول و مونث است و فعل هم به خاطر آن مونث آمده است.

- **ساخت اصلی مجهول** با وند ə- در گونهٔ دروی i- (در زبان پهلوی-ih-) :

پخته شد. bə-paj-**ə**-s (bə-paj-**i-**s :گونهٔدروی)

دارد پخته می‌شود. paj-**ə** sar (pej-**i** :گونهٔ دوری)

- **حفظ گردش مصوت**. مانند:

رسیدن r**a**s-es-an رساندن r**â**s-ân-əs-an

ترسیدن t**a**rs-əs-an ترساندن t**â**rs-ân-əs-an

و ویژگیهای دیگری که نشان از قدمت و کهنگی این گویش دارد، در این گونه بسیار بیشتر از دیگر گونه‌های تاتی خلخال به چشم می‌خورد.

در صفحهٔ آخر مقدمه، علایم آوانگاری در جدولی ذکر شده است. در این جدول واج[2] « ž» نیز ذکر آمده و تعدادی از واژه‌های دخیل دارندهٔ آن واج، نظیر: «aždâd» (اجداد)، «ežda» (اشتها)، و «aždəhâ» (اژدها) ذکرشده است؛ قابل ذکر است که در تاتی خلخال واج «ž» رایج نیست و چنین تلفظهایی یا از زبان فارسی و یا از تالشی به این گویش وارد شده‌اند. کلماتی که این واج را دارند مثل: "مُژه"، "منیژه" و "بیژن" با واج «j» تلفظ می‌شوند و در همین فرهنگ هم مژه به صورت «mija » است یعنی با واج «j» ضبط شده است.

۱- نگارنده درمقالهٔ « ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» با همکاری دکتر رضایتی کیشه‌خاله به این ویژگی در شش گونه تاتی خلخال از جملهٔ گویش تاتی لرد اشاره کرده است.

۲- در این جدول بهتر بود به جای اصطلاح "حروف" از " واج" استفاده می‌کردند.

در جدول "علایم آوانگاری" واج‌های دیگری نیز وجود دارند که درست معرفی نشده اند مانند: "ö" و "ü". دربارهٔ صامت "ع" در ذیل جدول فوق شرح درستی نیامده، بهتر بود فقط به جای "ع"، می‌نوشتند: "همزه". دربارهٔ همزه در این فرهنگ توضیحی ارائه نشده است، اما در آوانگاری واژه‌ها، علامت « ʿ» در جاهایی ظاهراً به جای همزه و یا مکث کوتاه ذکر شده و پریشانی‌هایی را در آوانگاری این فرهنگ به وجود آورده است.

جای پیشینهٔ بحثِ فرهنگ‌نویسی دربارهٔ گویش تاتی، در این کتاب، بسیار خالی است. نام کتاب "فرهنگ تاتی- تالشی" علی عبدلی به نوعی در مقدمه ذکر شده، ولی از فرهنگ دیگر آن نویسنده، یعنی «فرهنگ تطبیقی تاتی، تالشی، آذری» اسمی نیامده است. دربارهٔ تاتی خلخال فرهنگ موضوعی دیگری نیز دربارهٔ گونهٔ "دروی" آنهم به صورت موضوعی در سال ۱۳۸۵در موسسهٔ نشر هما در تهران به چاپ رسیده است که نویسنده‌اش، خانم منصوره پورداد، گویشور تاتی نیست، اما زحمت‌هایی کشیده و کارش هم خالی از اشکال نیست. از کتاب‌هایی که در کتاب‌نامه ذکر شده‌اند، نظیر کتاب "تاتی و هرزنی" و "گویش کرینگان" از عبدالعلی کارنگ درخور ذکر در پیشینه بحث بودند.

دربارهٔ **پیشینهٔ تحقیق** در زمینهٔ زبان تاتی خلخال منابع زیر قابل استناد است:

دو مقالهٔ "The Tati Dialect of Kajal" و "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)" از یارشاطر، که در زمینهٔ تاتی خلخال نوشته شده‌اند؛ اولی توصیف مختصرتاتی گونهٔ کجلی و دیگری توصیف گونهٔ شالی است. در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی سید اکبر یحیی‌زاده (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال» نکات مفیدی دربارهٔ تاتی کلوری آمده است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور در مقالهٔ «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» (۱۳۸۶) به ذکر ویژگی‌های ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند. سبزعلیپور (۱۳۸۷) در مقالهٔ « بررسی تطبیقی پیشوندهای فعلی زبان‌های گیلکی، تالشی و تاتی خلخال» پیشوندهای فعلی تاتی را شرح داده است[۳].

بعد از ذکر مقدمه، کتاب در ۳۱ بخش و یک فهرست الفبایی واژگان، به شرح زیر تنظیم شده است: ابزارآلات (از ص ۱۷ تا ص ۲۶)، ا سم و ترکیبات اسمی (۲۷-۴۱)، اصطلاحات دامداری (۴۲-۴۵)، اصطلاحات کشاورزی (۴۶-۵۰)، اصوات (۵۱-۵۴)، اعداد (۵۵-۵۵)، اعضا و احشا (۵۶-۶۱)، انواع قید

۳- رسالهٔ دکتری «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی» از سبزعلیپور در تیر ماه ۱۳۸۸ در دانشگاه گیلان به راهنمایی دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله و مشاورهٔ دکتر حسن رضایی باغبیدی و علی رفیعی جیردهی دفاع شده است. در این رساله، ساخت فعل گونهٔ لردی بررسی و با دیگر گونه‌ها تطبیق داده شده است.

(۶۲-۶۹)، بازی‌ها و سرگرمی‌ها (۷۰-۷۲)، بیماری‌ها و عوارض(۷۳-۷۹)، پوشاک و زیورآلات و فرش (۸۰-۸۷)، پیشه‌ها (۸۸-۹۲)، تعاون و همکاری(۹۳-۹۵)، جغرافیای طبیعی (۹۶-۱۰۰)، حیوانات و حشرات (۱۰۰-۱۰۵)، خوراکی ها (۱۰۶-۱۱۱)، خویشاوندی (۱۱۲-۱۱۴)، دشنام و نفرین (۱۱۵-۱۱۹)، دعا و قسم (۱۲۰-۱۲۱)، رنگ‌ها (۱۲۲-۱۲۲)، ساختمان و مصالح (۱۲۳-۱۲۷)، صفات و حالات (۱۲۸-۱۶۱)، ضمایر(۱۶۲-۱۶۳)، عروسی و مراسم مربوط به آن (۱۶۴-۱۶۷)، کنایات و اصطلاحات (۱۶۸-۱۹۳)، گیاهان و درختان (۱۹۴-۲۰۰)، مصادر ساده و پیشوندی (۲۰۱-۲۰۹)، مصادر مرکب و مرکب پیشوندی (۲۱۰-۲۳۲)، میوه‌جات و حبوبات (۲۳۳-۲۳۴)، واحدهای اندازه‌گیری (۲۳۵-۲۳۷)، واژه‌ها و اصطلاحات ترکی (۲۳۸-۲۴۱) و فهرست الفبایی (۲۴۳-۳۰۰).

نویسنده در یک اقدام مفیدی توانسته است بخشی از فرهنگ را به واژه‌های ترکی اختصاص دهد؛ همین تعداد واژه نیز نشان دهندهٔ این است که مثل همهٔ گویش‌های اصیل ایرانی، واژه‌های تاتی در حال کم شدن و از بین رفتن‌اند و باید زودتر از آنچه فراموش یا نابود گردند، ثبت و ضبط شوند. اما معلوم نیست دلیل ترکی دانستن بعضی از واژه‌ها چیست، چون نویسنده هیچ دلیلی برای ترکی دانستن این نوع واژه‌ها ارائه نکرده است، تعدادی از این واژه‌ها که مولف ترکی فرض کرده، ترکی نیستند بلکه از زبان‌های ایرانی‌اند، از جلمه:

bičin (علف درو کردن)، این واژه از ریشه و مادهٔ فعلی -čin (چیدن) است. در تاتی دروی مصدر مرکب kašta-pe-čien (برداشت غله) از همین ریشه است (نیز نک: منصوری، ۱۳۸۴، ۱۰۶-۱۰۷).

piss (بد زشت)، این واژه از paisa* ایرانی باستان مشتق از ریشهٔ -pais رنگ کردن و نقاشی کردن و آراستن اخذ شده است. در فارسی میانه pēs، پشتو pēs جذام، کردی pīs کثیف چرکین، در ترکی آذری pis-lik جذامی (نیز رک: حسن دوست، ۱۳۸۳، ۳۰۴). با این همه وقتی بخشی به نام واژه‌های و اصطلاحات ترکی در فرهنگ ذکر شده، بهتر آن بود که مولف همهٔ واژه‌های دخیل ترکی کتاب را در یک بخش می‌آوردند.

تعدادی از واژه‌های فرهنگ مدخل و سرواژه نیستند، بلکه شکلهای تصریفی و دستوری یک واژه‌اند، مانند:

ča râ	برای آن	čama râ	برای ما
šâmâ'k [šâmâ-k]	از شما	avân'k[avân-k]	از آنها

در بخش ضمایر(۱۶۲) معنی man « من (با افعال متعدی)» و معنی *az* « من (با افعال لازم)» قید شده است. بهتر بود با ملاحظه به حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی ضمایر، *man* را «من درحالت غیرفاعلی» و *az* را « من در حالت فاعلی» ذکر می‌کردند، یا اینکه با توجه به ساخت ارگتیو در این گویش *man* را مختص فعلهای متعدی ماضی می‌دانستند[۴].

۴- برای حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی ضمایر در این گویش نک: رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور، ۱۳۸۶، ۸۹-۱۰۵.

در ذکر معنی تعدادی از واژه‌ها گاهی اهمال صورت گرفته و معانی مطلق و کلی، مقید به یک مورد خاص شده است. به عنوان مثال: معنی âbassan «بستن بار بر پشت چهارپایان» ذکر شده است، در حالی‌که معنی درستش « بستن و مقید کردن» است و در مورد بستن حیوان یا انسان و موارد دیگر نیز به کار می‌رود. یا aramandan «در گل فرو رفتن» آمده در حالی‌که «فرو ماندن و گیر کردن است» و در برف و باتلاق و موارد دیگر نیز به کار می‌رود. yord به معنی«(ترکی) جایی که مردمش کوچ کرده باشند، سرزمین» آمده، در حالی‌که «چراگاه ایلات و عشایر، محل خیمه و خرگاه» معنی آن است (نک: معین، ۱۳۷۵، ذیل یورت).

گاهی یک واژه در دو جا با معنی متفاوت ذکر شده است، به عنوان نمونه: âbərriyan «چیدن پشم و موی گوسفندان و بزه با قیچی مخصوص» و در زیر آن دوباره همین واژه به معنی « قطع کردن آب مزرعه از سرچشمه یا بین راه» آمده است، در حالی‌که هر دو یک واژه با دو معنی متفاوت‌اند (ص۲۱۰)؛ چنین است tâ (قید علت) و tâ (حرف اضافه) که هر دو یک واژه است (ص ۶۴).

از نکات مثبت این فرهنگ ذکر تلفظهای مختلف یک واژه است، نویسنده در این زمینه بسیار وسواس به خرج داده است و تلاش کرده است که همهٔ صورت‌های آوایی موجود یک واژه ذکر شود.

بخش مصادر ساده و پیشوندی این فرهنگ از نقاط قوت آن است، چرا که در این کتاب بیش از صدو نود هفت فعل ساده و بیش از چهارصد و بیست فعل پیشوندی تاتی[5] ذکر شده است. تعداد بسیاری از این افعال ریشه‌ای بسیار قدیمی دارند، به عنوان نمونه :

- مصدر virij-ân-san (دواندن) از ریشهٔ -virij آمده است که آن هم از فارسی میانه -wirēz و آن هم از ایرانی باستان vi-raiča* مشتق شده است (نک: منصوری- حسن زاده، ۱۳۸۷، ۲۲۸). مصدر mətan (حرکت کردن راه رفتن) از ریشهٔ -jam/ gam ایرانی باستان در فارسی باستان gam آمدن (نک: منصوری، ۱۳۸۴، ۳۳) مشتق شده است.

از دیگر حسن‌های این کتاب این است که نویسندهٔ تا جایی‌که ممکن بوده از ذکر واژه‌هایی که تلفظی مشترک با فارسی دارند، دوری کرده است. و هرجا کوچکترین اختلاف تلفظی احساس کرده، آن را ثبت کرده است.

یکی از مسایلی که کمتر در گویش‌نامه‌های کشورمان رایج است، نام‌واژه یا توپونیمی (toponymy) است. نام‌واژه‌ها یا واژه‌های مکان‌ها و جای‌ها مثلاً رودها کوه‌ها، تپه‌ها و . . از اصیل‌ترین و دست نخورده‌ترین واژه‌های یک زبان هستند، نمی‌توان آنها را از فرهنگ یک زبان حذف کرد، گرچه برای ناآشنایان لطفی ندارد، اما در تحقیق‌های زبان‌شناسی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در مقدمهٔ این

۵- این عدد را نگارندهٔ نقد با شمارش مصادر ساده و پیشوندی این فرهنگ به دست آورده است. مصادر واداری و مجهول نیز در این آمار محاسبه شده‌اند.

فرهنگ، نویسنده برای معرفی روستای لرد چند نام‌واژه ذکر کرده است (ص ۱۱)؛ بهتر بود بخشی از کتاب را به همین موضوع اختصاص می‌داد و نام کوه‌ها، دشت‌ها، تپه‌ها و گردنه‌ها را ذکر می‌کرد.

بخش بازی‌ها و سرگرمی‌ها ص ۷۰-۷۲ از بخش‌های خوب این کتاب است، تعداد ۶۸ واژه تاتی مربوط به بازی‌ها در این بخش با معنایشان ذکر شده است. پرداختن به این امر و جمع‌آوری واژه‌های مربوط به بازی و همبسته‌ها و وابسته‌های معنایی آن خود یک تحقیق مجزایی است. این کار که علاوه بر زبان‌شناسی به حوزهٔ فرهنگ مردم و جامعه‌شناسی نیز مربوط است، کار پرزحمتی است که نویسنده کتاب آن را انجام داده است. مانند:

« **چرت چرتی** čərt čərti : نوعی گردو بازی با کشیدن یک دایره به قطر تقریبی سه متر و چیدن چند گردو در مرکز آن به طور مساوی از طرف بازی کنان و با پرتاب آشق (← ابزار) به طرف گردوها و بیرون کردن آنها از دایره به نفع خود» (ص ۷۰)

غلط‌های تایپی کتاب بسیار اندک است، بویژه در آوانویسی واژه‌ها دقت فراوانی شده است. در صفحهٔ ۱۰ کتاب به جای "سیاورود"، "سیاهورود" و به جای " دانسفان"، "دانشقان" آمده است. در صفحه آخر کتاب سطر ۷ به جای "تبریز"، نیریز" آمده است.

کتاب‌نامه آخر کتاب اشکالاتی دارد و با دقت تنظیم نشده است، کتاب‌شناسی بعضی از منابع از جمله منبع شمارهٔ ۳، ۸، ۹ و ۱۸ ناقص آمده است. و منابعی نیز آمده‌اند که ارجاع به آنها یا ذکر مطلبی از آنها در کتاب یافت نمی‌شود.

کلام آخر

با وجود همهٔ نکاتی که ذکر شد، فرهنگ تاتی به فارسی محاسن و نقاط قوت بسیاری دارد، و یکی از کتاب‌های مفید در زمینهٔ تاتی خلخال است. دقت و وسواس نویسنده در بسیاری از جاهای کتاب در خور تقدیر است هر کسی که یک بار کتاب را بخواند و یا تورق کند، متوجه خواهد شد که برای واژه واژه آن کتاب چقدر تلاش شده است. امیدواریم نویسندهٔ توانای کتاب نکات فوق را نیز، در صورت صحت، در چاپ بعدی اصلاح نمایند. و دربارهٔ گویش تاتی آثار دیگری نیز تألیف نمایند.

منابع:

- پورداد، منصوره (۱۳۸۵). **گویش تاتی از زبان آذری**. نشر هما. تهران.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۳). **فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی**. زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی (ج. ۱ آ- ت). فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده (۱۳۸۷). **فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی**، «شامل لغات، ترکیبات و کنایات تالشی مرکزی». انتشارات دانشگاه گیلان.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهاندوست سبزعلیپور (۱۳۸۶). «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال». **فصلنامهٔ ادب‌پژوهی**. سال اول. شمارهٔ اول. ص ۸۹- ۱۰۵.

سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی پیشوندهای فعلی زبان‌های گیلکی، تالشی و تاتی». ارائه شده در همایش علمی نکوداشت استاد احمد سمیعی (گیلانی). دانشگاه گیلان.

---------- (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال). تالشی و گیلکی». پایان‌نامهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه گیلان.

عبدلی، علی (۱۳۶۳). **فرهنگ تاتی و تالشی** . انتشارات دهخدا. بندرانزلی.

------ (۱۳۸۰). **فرهنگ تطبیقی تالشی تاتی و آذری**. شرکت سهامی انتشار. تهران.

- معراجی لرد، جواد (۱۳۷۷). زبان تاتی در شاهرود خلخال. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی تهران. واحد مرکزی.

------ (۱۳۸۸). **فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی** گویش تاتی روستای لرد بخش شاهرود خلخال شامل لغات، ترکیبات، کنایات، و اصطلاحات و اشاره کوتاه به دستور زبان. بلور. رشت.

معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. انتشارات امیرکبیر. تهران.

- منصوری، یدالله و جمیله حسن‌زاده (۱۳۸۴). **بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی**. زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.

- منصوری، یدالله (۱۳۸۴). **بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی**. (فارسی میانهٔ زردتشتی). فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.

- یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲). «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال» پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه شیراز.

-Yarshater, E (1960). “The Tati Dialect of Kajal”**.** **BSOAS**. 23.PP. 275-286.

------(1959). “The Dialect of Shahrood (Khalkhal)”. **BSOAS**, XXII 22, 52-68.